

جناب شریعتی سلام

من در انگلستان زندگی میکنم و خیلی دلم میخواهد نظر شما را در مورد حکومت پادشاهی بدانم میدانم که شما در مباحث سیاسی وارد نمی‌شوید ولی اگر نظر خودتان را در این مورد به صورت خصوصی هم برایم بنویسید ممنون میشوم. ویدیوی تا خوب نشیم خوب همیشه شما را هم دیدم ضمن تایید اما فکر میکنم نوع حکومت‌ها در رفتار مردم خیلی موثره بنابراین دلم میخواهد نظر شما را در باره ی حکومت پادشاهی اینجا و کلا حکومت‌ها بدانم. با سپاس زیاد از مطالب و ویدیوهای مفیدتان

پاسخ :

اول از همه مجدداً این تذکر را لازم میدانم که فعالیت سیاسی نداشتن با نظر سیاسی نداشتن متفاوت است . عدم آگاهی از سیاست های روز کشور و جهان که هر دو تعیین کننده ی وضعیت زندگی ما میباشند ، به معنی زنده نبودن است و بی تفاوتی در برابر رویدادهای سیاسی کشور و جهان نیز به معنی انسان نبودن . بنابراین بله ، فعالیت من سیاسی نیست بلکه در زمینه ی علم و فرهنگ است ، اما این به معنی نداشتن نظر و دیدگاه سیاسی نیست ، اما این دیدگاه ها و نظرات تنها در محدوده ی شخصی و در شهر روئیا های من است . اما پاسخ شما :

زندگی اجتماعی ، ما انسانها را وادار کرده است تا برای مدیریت امور مشترک جوامع خود ، حکومت ها و دولتها را تشکیل داده و قوانینی برای اداره ی جامعه ایجاد کنیم . حال اگر این قوانین منطبق بر انسانیت ، خرد و منافع

جمعی ، حقوق بشرو غیر بشر (طبیعت و حیوانات) ، دانش ، تجربه و سرانجام شرایط روز باشد ، و مردم در فرایندهای منطقی ، صلح آمیز و انسانی کسانی را به استخدام خود در آورند تا بر مبنای این قوانین ، امور جامعه را مدیریت کنند ، یعنی رابطه ی کارفرما با کارمندان خود . و نه رابطه ی ارباب و رعیت ، یعنی مردم ارباب باشند و نمایندگان و مدیران اجرایی کشور ، کارمندان آنها ، کارمندانی که حضور آنها در پست های مدیریتی جامعه در هر لحظه و به اراده ی مردم بستگی داشته و سطح زندگی شخصی و بهره مندی آنها از خدمات اجتماعی نیز برابر با بقیه ی مردم باشد ، آری در این صورت از نظر من مهم نیست که این حکومت ها چه نامی داشته باشند . دقت کنید که در زیر زندگی شخصی خط کشیده و بر آن تاکید کردم زیرا بر این باور هستم که خارج از امکانات معقولی که باید در اختیار مسئولان اداره ی جامعه و در طول دوران خدمتشان و حتی در مواردی پس از آن قرار داشته باشد ، برخورداری این مقامات از امکانات شخصی ی ویژه و قرار گرفتن آنها در طبقه ای ویژه و با امکاناتی خاص ، آغاز و یا ادامه ی فساد و تباهی در اجتماع خواهد بود . پادشاهی و گاه با عناوین اندکی متفاوت ، یعنی قدرت مطلق قانون گذاری ، قضاوت و اجرا و ادامه ی آن با وراثت یا به قدرت رسیدن سلطان جدید با قدرت نظامی و در مواردی نیز با انتصاب از سوی پادشاه قبلی ، تقریبا اولین روش اداره ی جوامع بزرگ در تاریخ بشریت بوده است و در طول تاریخ و در فرایند تشکیل و ادامه ی این حکومت های پادشاهی ، تقریبا هیچیک از ویژگی

های اشاره شده در بالا ، در این گونه جوامع وجود نداشته و همان وضعیت ارباب و رعیتی بوده است ، اما در مواردی که ارباب مهربان تر و کارآمد تر بوده است ، وضعیت رعایایش هم بهتر بوده . اما این روش بخصوص در قرن های اخیر اندکی تغییر یافته و اندکی از اختیارات پادشاه کاسته و به اختیارات مردم افزوده شده است از جمله در پادشاهی مشروطه .

اما پادشاهی در کشور و جامعه ی انگلستان که دست کم در عنوان از نوع صرفا تشریفاتی میباشد و پادشاه یا ملکه در اداره ی کشور نقشی ندارند ، از نظر من مانند وضعیت جامعه ای است که از حالت جهالت پرستش خدایگان های انسانی و ساخت معابد عظیم برای پرستش خدایان بزرگتر آنها و اهدای قربانیان حتی همنوع ، عبور کرده و اداره ی امور جامعه از فرامین آن خدایگان ها به سامانه های معقول تر و مردمی تری سپرده شده است و دیگر در معابد باشکوهی ، جاندار حتی همنوعی را قربانی نمیکند تا موجب رضایت خدایان و رب النوع ها شده و از خشم آنها در امان بمانند ، اما جامعه ای است که همچنان آن معابد باشکوه را برپا و مراسم قربانی کردن را نیز تنها به صورت نمایشی انجام میدهد ! و من نمیتوانم درک کنم که چرا !!! چرا باید اداره ی یک جامعه به روش مدرن آن صورت بگیرد ، اما همچنان با صرف هزینه ی بسیار ، ظاهر و سنت های جاهلانه ی گذشته را هم نگاه داشت !!! اگرچه به صورت نمایشی ! ویدیوی "[انسانها برابر نیستند](#)" و یا "[سلطنت و](#)

مراسم غیر قابل درکش آنهم در اروپای قرن 21 " را ببینید .

دوست عزیز ، انسان در طول تاریخش در این سیاره به بیماریهای مهلک زیادی دچار شده و تب و لرز و هذیان های بسیاری را تجربه کرده است و بیماریها همه بد هستند ، البته با درجات مختلفی ، اما درمان بیماریها یک چیز است و عوض کردن یک بیماری با بیماری دیگر حتی خفیف تر چیز دیگری ! و صرف هزینه ی زیاد برای یادبود و گرامیداشت بیماریهای علاج شده ی گذشته هم شگفتی دیگری است از رفتار آدمیان که دست کم ، ذهن من قادر به درکش نیست .

اما نکته ی بسیار مهمی که وجود دارد این است که همانطور که نوع خاک تعیین میکند که چه دانه ای میتواند در آن رشد کند ، سطح فرهنگ اجتماعی اکثریت مردم یک جامعه نیز تعیین میکند که شایستگی و لیاقت چه نوع حکومتهایی را دارند . حکومتها حتی اگر سرچشمه گرفته از قدرت نظامی خارجی یا داخلی هم باشند ، تا بستر مناسبی در اجتماع نداشته باشند ، نه ظهور میکنند و نه سقوط و این سطح فرهنگ و افکار و رفتار مردم یک جامعه میباشد که نوع حکومتها و دولتها را مشخص میکند ، و صد البته که سپس خود نیز تحت تاثیر آن حکومتها قرار خواهند گرفت و البته در همین حال ، فرهنگ ها و جوامع دیگر و حکومتهای آنها نیز در حال تاثیر گذاری بر این حلقه های کوچکتر داخلی بوده و وضعیت را پیچیده تر از آن میکنند که بتوان با قاطعیت در مورد چگونگی ، چرایی و پیش بینی پدیده های

اجتماعی سخن گفت . بنابراین آنچه در این ویدیوی آخر (تا خوب نشیم خوب همیشه) و یا مباحث نوشتاری و صوتی و تصویری قبلی نیز بیان کرده ام تنها نظر و دیدگاههای من میباشد که میتوانند درست هم نباشند . چرا که تغییر نظرات و دیدگاههای من در طول زندگی به من این درس را داده است که بر درستی نظرات فعلی ام هم پافشاری نکنم . اما این درس را هم آموخته ام که تغییر لازمه ی زندگی هر موجودی و بویژه انسانها میباشد . ما با ساختارها و حتی بیماریهای متفاوت ژنتیکی به دنیا آمده و با ذهنیت ها و حتی بیماریهای مهلک فرهنگی نیز رشد میکنیم ، دو امر غیر قابل اجتناب و دور از اختیار ما در هر کجای زمان و مکان که قرار داشته باشیم ، اما اگرچه یکی از خطرناکترین و بیرحم ترین موجودات زنده ی این سیاره و سامانه ی حیاتی آن نیز هستیم ، که حوادث تلخ گذشته و نیز این روزهای جهان نشان دهنده ی آن میباشد و سرافکنندگی بزرگی برای نوع بشر ، اما بشر این قدرت را هم دارد که خود را تغییر داده و حتی به بهترین و زیباترین و مفیدترین موجود این سامانه ی حیاتی نیز تبدیل شود . تنها در صورت درس گرفتن از تاریخ پر از درد و رنج و جهل خود ، تفکر سالم ، انسانی و به روش علمی امروز و سرانجام شهادت پذیرش خطا در صورت وجود و توقف یا تغییر مسیر در صورت لزوم .

مظفر شریعتی

مهر ماه 402

www.shariaty.com

[کانال تلگرام افسانه ی هستی](#)

[Youtube](#)

[Instagram](#)

[Twitter](#)

[Facebook](#)